

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۰  
صفحه ۶۵ تا ۸۲

## نیمرخ آموزش و پرورش ایران در توسعه پایدار: روندها، پیشران‌ها و

### پسران‌های اجتماعی - فرهنگی آن

عصمت طافی / دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران،

ایران

علی بقائی سراپی / استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)  
a.baghaeisarabi@iauctb.ac.ir

پروین سوادیان / استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

### چکیده

در این مقاله تلاش بر این است تا نیمرخ آموزش و پرورش را در توسعه پایدار با توجه به روندها، پیشران‌ها و پسران‌های اجتماعی-فرهنگی، به تصویر کشیده شود. اصلی‌ترین سوال پژوهش این است که نهاد آموزش و پرورش در ج.ا.ایران چه رویکردی به مفهوم توسعه پایدار دارد و در عمل پیشران‌ها و پسران‌های این عرصه کدامند؟ فرضیه تحقیق بر این واقع شده است که آموزش در توسعه پایدار، همواره می‌بایست در هماهنگی و همخوانی با ارزش‌های ملی و محلی جامعه هدف، اعمال شوند. در این مقاله از دو روش استفاده شده است: در بخش اول با کمک گرفتن از روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی تلاش شده است تا ضمن توضیح آموزش در توسعه پایدار، فلسفه و بنیان‌های فکری آموزش در ایران بررسی شود و در بخش دوم نیز با روش فراتحلیل و طبقه‌بندی به عمل آمده است. نتیجه پژوهش حاکی است که با وجود دستیابی ج.ا.ایران به الگوی آموزش بومی و اسلامی خود، مولفه‌های نهاد آموزش و پرورش در چشم انداز توسعه پایدار در سطوح آموزش از دبستان تا آموزش عالی در وضعیت مطلوبی قرار دارد، در حالیکه آموزش‌های پیش دبستانی، همچنان تا مرز مطلوب فاصله دارند. کلیدواژه: توسعه پایدار، آموزش در توسعه پایدار، ارزش‌ها، الگوها، اسناد بالادستی آموزش.

تاریخ تأیید ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۱۱/۲۸

## مقدمه

از توسعه پایدار که امروزه به عنوان کلمه‌ای کلیدی در گفتمان توسعه استفاده می‌شود، تعاریف، معانی و تفاسیر مختلفی ارائه شده است. توسعه پایدار به معنای کلی یعنی «توسعه‌ای که می‌تواند به طور نامحدود یا برای یک دوره زمانی مشخص ادامه پیدا کند» (Dernach, 2011; Stodhart et al., 2003). در گزارش کمیسیون برونلند، توسعه‌ی پایدار فرآیندی از توسعه است که نیازهای نسل فعلی را برآورده می‌کند بدون آن که توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهای خودشان را به خطر بیندازد (Mensah, 2019: 6). مفهوم توسعه پایدار بر سه ستون قرار دارد که هر یک بیانگر یکی از ابعاد کلیدی این مفهوم هستند و شامل بُعد زیست‌محیطی، بُعد اقتصادی و بُعد اجتماعی می‌باشند. هر سه بعد مطرح شده که مسائل اکنون و آینده زمین ما و ساکنان آن هستند، از راه آموزش به کودکان و بزرگسالان منتقل می‌شوند. به عبارت دیگر، توسعه پایدار در نهایت به انسان اجتماعی و متمدن مرتبط است و هدفش این است که مردم دنیا از امکانات و منابع طبیعی برخوردار باشند و البته نه تنها در مقابل خود و زندگی خود، بلکه در مقابل نسل‌های آینده و محیط زیست خود متعهدانه عمل و رفتار کنند. برای اینکه شاخص‌های توسعه پایدار از دل متون و اسناد بیرون کشیده شوند، و خود را در سازماندهی علمی و عملی جوامع مختلف قرار داده و در پیشرفت این جوامع به سمت دنیایی بهتر موثر واقع شوند، می‌بایست همگانی و جهان‌شمول شوند و درست از همین جاست که مسئولیت و ضرورت مقوله آموزش محرز به نظر می‌رسد.

چنانچه بخواهیم سیمای آموزش را بر اساس توسعه پایدار بررسی کنیم، باید دو فاکتور مهم را در نظر داشته باشیم، در واقع بدون توجه به آنها تحلیل ما از مورد مطالعه نمی‌تواند درست باشد. از یک طرف می‌بایست مقوله آموزش بر اساس توسعه پایدار را در سطح جهانی و بین‌المللی مطالعه کنیم و برای این منظور می‌توان مستقیماً به سراغ اسناد بین‌المللی برویم که حاوی استانداردهای تعیین شده و مورد قبول جامعه جهانی هستند. از سوی دیگر و در امتداد آن، می‌بایست آموزش را بر اساس مدل و الگوی جامعه مورد مطالعه بررسی کنیم. ضرورت توجه به این نکته در این واقعیت انکارناپذیر نهفته است که همواره موازی با استانداردهای بین‌المللی شناخته شده در ارتباط با مقولات مختلف، چنانچه با رویکردی نسبی‌گرایانه این مقولات را دنبال کنیم، شاهدیم که آنها در خرده‌نظام‌های محلی و

---

<sup>1</sup> Brundtland Commission Report

منطقه‌ای بر اساس سازمان ارزش‌ها، مذهب، بنیان‌های فکری و تجربه زیسته همان نظام‌ها، دستخوش تغییرات می‌شوند. این تغییرات در موارد زیادی اجتناب‌ناپذیر و حتی لازم به نظر می‌رسند.

گفتمان توسعه پایدار در قلمرو آموزش و پرورش ج.ا. ایران، چند سالی است که دغدغه‌های زیادی را در پی خود به خصوص برای سیاست‌گذاران این حوزه به همراه داشته است. مهم‌ترین سند بین‌المللی پذیرفته شده در سال ۱۳۹۶، سند ۲۰۳۰ مصوب ۲۰۱۵ بود که خود توصیه‌نامه‌ای جامع در مقوله توسعه پایدار به طور عام و توسعه پایدارآموزش به طور خاص به شمار می‌آید. علیرغم تصویب این سند و ابلاغ آن جهت اجرایی شدنش توسط نهادها و دستگاه‌های ذی‌ربط، ۲۰۳۰ چالش فراوانی را از جمله در حوزه آموزش برای دولت وقت به دنبال داشت. این مسئله متأثر از تناقضاتی بود که از اساس در پایه‌های فکری و نظری در مسئله آموزش مطرح بود. در واقع ۲۰۳۰ از آبخشور مکاتب اومانیستی و غیر مذهبی سیراب می‌شد و این با ارزش‌های الهی-دینی نظام ج.ا. ایران در تضاد قرار می‌گرفت.

با این وجود نباید دچار این شبهه شویم که اختلافات بروز کرده، به معنای پشت پا زدن به دستاوردهای مهم بشری در عرصه جهانی است. نقدهای وارد شده خود به نوعی حاکی از پویایی و اهمیت مسئله دارند. نگاهی به روند تحولات صورت پذیرفته در قلمرو آموزش و پرورش از زمان انقلاب تا امروز حکایت از اولویت بالای مسئله تربیت در نظام ج.ا. ایران دارد. پژوهش حاضر به دنبال این است که ضمن مطالعه جایگاه توسعه پایدار در اسناد بین‌المللی و رویکرد آن به آموزش، در قدم اول، موضوع مذکور را از منظر اسناد و قوانین بالادستی نظام ج.ا. ایران مورد بررسی قرار دهد. این مقایسه فرصتی خواهد بود تا به این سوال مهم پرداخته شود که اصولاً کدام پایه‌ها و بنیان‌های فکری و نظری آموزش و پرورش ایران را از خود متأثر ساخته است؟ نویسنده در این مقاله تلاش دارد تا از مقایسه صرف در حوزه اسناد و قانونگذاری فراتر رود، چرا که به زعم وی، علاوه بر ضرورت این مقایسه برای درک بهتر وجود برخی از تناقضات بنیادین، می‌بایست بینیم که در عمل کدام پیشرانها و پسران‌ها در آموزش بر اساس توسعه پایدار وجود دارند. پاسخ به سوال مذکور، وقتی کامل می‌شود که به طور کاربردی تر شاخصه‌های آموزش بر اساس توسعه را بر اساس داده‌های میدانی مورد بررسی قرار دهیم. با این استدلال، با استفاده از روش فرا تحلیل، ۲۲ پژوهش انجام شده بر اساس شاخصه‌های توسعه پایدار مورد بازبینی قرار گرفت. در واقع، فراتحلیل، یک اصطلاح کلی برای توصیف فنون آماری است که به پژوهشگر، امکان می‌دهد الگوی

یافته های حاصل از انواع مطالعات منتشر شده و نشده را در مورد یک پرسش پژوهشی خاص، تحلیل کند (هویت و کرامر، ۲۰۰۵، ترجمه ی پاشاشریفی و همکاران، ۱۳۸۸). در واقع هدف این بود که با چیدین ۲۲ پژوهش انجام شده در حوزه مذکور در کنار هم و نتایج تحلیل بدست آمده از آنها، بتوانیم تصویر روشن تری از شاخص های مورد نظر توسعه پایدار در آموزش و پرورش ارائه دهیم و پسرانها و پیشرانها را در عرصه عمل مورد بازبینی قرار دهیم. بنابراین در مقاله پیش رو، بخشی از داده ها از طریق مطالعه میدانی و کتابخانه ای گردآوری شده‌اند و بخشی دیگر نیز با روش فراتحلیل از ۲۲ پژوهش انجام شده به دست آمده‌اند. نتایج بدست آمده از این پژوهش در کل به ما نشان می دهد که آموزش و پرورش در ایران تا حدودی به الگوی توسعه پایدار نزدیک شده است، هر چند در مقطع آموزش های پیش دبستانی ما نیاز به تغییرات اساسی داریم.

### پیشینه تحقیق

اهمیت و نو بودن مسئله آموزش بر مبنای توسعه پایدار باعث شده است که به خصوص در یک دهه اخیر مطالعات زیادی در این عرصه انجام گیرد. برخی از این پژوهش ها با تاکید بر ضرورت آموزش در رساندن جامعه به مرحله توسعه و توسعه یافتگی، سعی نموده اند لزوم توجه به ابعاد مختلف آموزش بر اساس توسعه پایدار را گوشزد نمایند. به طور مثال موسایی و احمدزاده (۱۳۸۸) در تحقیقی که درباره ی آموزش توسعه محور و رابطه ی آن با توسعه ی پایدار انجام داده‌اند، سرمایه گذاری در آموزش توسعه محور و تربیت انسانهایی با مولفه های علم گرایانه، مهارت گرایانه، تغییرپذیر، سیستماتیک و پژوهشگرانه را شرط لازم برای گسترش کمی و کیفی فرآیند توسعه در ابعاد مختلف جامعه دانسته‌اند. با همین رویکرد، انصاری (۱۳۹۳) در مقاله ای، با ارائه ی برداشتی خاص از مفاهیم توسعه و توسعه یافتگی اقتصادی که بر اساس گسترش آزادی های مدنی استوار است، به بررسی جایگاه و مقام نهاد آموزش و پرورش پرداخته است. به اعتقاد این مولف، از جمله راه های وصول به توسعه پایدار در کشوری مانند ایران، بهره برداری از درآمدها و منابع نفتی از یک طرف و برقراری پیوند هر چه بیشتر بین مولفه های آزادی، عدالت و توسعه از طرف دیگر می باشد. معتمدی و یمنی دوزی سرخابی (۱۳۹۷) در مقاله ای مشترک، به مطالعه و بررسی برنامه ی آموزشی توسعه ی پایدار از منظر سیستم سازگار شونده پرداخته‌اند. نتایجی که مولفان مزبور بدان رسیده‌اند حاکی از آن است که انطباق برنامه های درسی بر سیستم سازگار باید بر رویکرد

میان‌رشته‌ای استوار بوده و تحولات نظام‌های آموزش عالی در سراسر جهان را از نظر دور ندارد.

برخی دیگر از مطالعات، اما در تلاشند تا وضعیت و چالش‌های چنین آموزشی را بیشتر مورد بررسی قرار دهند. به طور مثال احمدی (۱۳۹۹) در تحقیقی، ضمن تمرکز بر مبانی تربیتی اساسی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به تبیین جایگاه اهداف توسعه‌ی پایدار در آن پرداخته و نتیجه‌گیری می‌کند که عدم برخورد متعادل و یکسان با اهداف توسعه‌ی پایدار در سند مذکور، بدون شک یک چالش جدی برای آن محسوب می‌شود. خاتون و کیلی (۱۳۹۹) اما در مقاله خود، با رویکردی متفاوت، به طور خاص به مسئله سند ۲۰۳۰ و اصل آموزش در آن پرداخته است. او موارد مغایرت و تناقض سند مذکور را با اسناد بالادستی بررسی نموده و در نهایت قائل است که ۲۰۳۰ یک تهدید نرم علیه ارزش‌های نظام ج.ا. ایران است، چرا که در آن کشورهای غربی و قدرتمند با عنوانی مانند توسعه پایدار، سعی می‌کنند تا ارزشها، استانداردها و معیارهایی را که به نفع خودشان است، به سایر کشورهای دیگر صادر نمایند. سپس بر همین پایه تلاش می‌کند تا الگوی بومی و اسلامی از آموزش در ایران ارائه دهد.

در مقاله حاضر هدف ما این است که از طرفی در یک نگاه واقع بینانه آموزش و پرورش را در چشم انداز توسعه پایدار مشاهده کنیم. برای این کار اسناد بالادستی را ملاک مهمی در کشف مولفه‌ها و سیاستگذاری‌های کلان در نظر گرفته ایم. در همین راستا، آنچه که به نظر می‌رسد پژوهش حاضر را از سایرین متمایز می‌کند و به عبارت بهتر جنبه نوآورانه آن به حساب می‌آید در این است که در اینجا هدف ما صرفاً بیان مسئله آموزش بر اساس مولفه‌های توسعه پایدار مطابق آنچه تا کنون بیشتر مورد توجه بوده است نیست، بلکه ضمن تلاش برای بازتاب سیمای فعلی آموزش و پرورش با توجه به اسناد بالادستی، پیشرانها و پسران‌های آن را نیز در مجموعه بر مبنای پژوهش‌های میدانی انجام شده و با یک روش فراتحلیلی مورد ارزیابی قرار دهیم.

### چارچوب نظری

بدون شک، آموزش مهم‌ترین راه برای انتقال ارزش‌ها و هنجارهای یک جامعه، یک نسل، یک نظام فکری، سیاسی و ... می‌باشد. مال و سکا-پری ارزش‌ها را به دوشکل ارزش

به هم مرتبط دسته بندی می کند: دسته اول ارزش‌های محوری<sup>۱</sup> هستند که دربرگیرنده ارزش‌های فردی و جمعی می باشند و در کل سازنده هویت فرد بوده و معمولاً در مقابل تغییرات، مقاومت جدی از خود نشان می دهند. دسته دوم اما ارزش‌های ابزاری<sup>۲</sup> هستند که در واقع شیوه‌هایی را تشریح می کنند که در رفتارهای ضروری برای اعمال ارزش‌های محوری به کار گرفته می شوند (Malewska-Peyre, 1991: 19). حوزه آموزش به طور کلی، با سلسله ای از ارزش‌ها نشانه گذاری و احاطه شده است، به گونه ای که آموزش دهنده موظف است با روشن سازی و شفاف نمودن این ارزشها را با دقت و تمامیت به آموزش گیرنده منتقل کند. سوو معتقد است که ارزشها در بستر جامعه ساخته می شوند و در بستر فرهنگ تعیین می گردند و بدین ترتیب است که ویژگی عام و همگانی به خود می گیرند (Sauvé, 2009: 22). و به همین دلیل نیز است که به زعم وی ما هم، نیازمندیم که ارزش‌های جامعه ای را که در آن زندگی می کنیم دریابیم و هم می بایست ارزش‌هایی از سایر جوامع متعلق به جهانی که توسعه پایدار یک بعد اجتناب ناپذیر آن به شمار می آید را به خوبی بشناسیم. البته تاریخ سازمان ملل همواره تاریخ این ارزشها و معیارهاست: مسائل حقوق بشری، محیط زیست، توسعه پایدار و به خصوص آموزش توسعه پایدار در یک چشم انداز بینانسی و برای آینده ای دورتر در نظر گرفته شده اند، اما با این وجود، در ارتباط با ارزش‌هایی که باید یاد داده و یاد بگیریم، در برخورد با هر طرح آموزشی می بایست به هر دو بعد بین المللی و ملی و محلی آن توجه لازم مبذول داشته شود (Sauvé, 2009: 24).. این مهم، مورد تاکید یونسکو نیز می باشد جایی که اذعان می دارد که هدف توسعه پایدار ایجاد «ارزش‌هایی مناسب و متناسب با همان فرهنگ است» که از اصول و ارزش‌های جدا نشدنی توسعه مذکور الهام می گیرند (UNESCO, 2005, p. 8).

هر چند مقوله جهانی شدن با گسترش یکدست شدن شیوه های تعامل و زندگی، فرهنگ های گوشه و کنار جهان را دستخوش تغییر کرده است، اما این الزاما به معنای از بین رفتن و محو و ذوب شدن آنها در یک فرهنگ کلی تر نیست. اسناد و رهیافت های بین المللی و جهان شمول در ارتباط با مقولات و مفاهیم، هر چند مشترک و عام الشمول به نظر می رسند، اما در کل، نمی توان انتظار داشت که همه جوامع با هر گونه تنوع فرهنگی، قومی، جغرافیایی

<sup>1</sup> Les valeurs centrales

<sup>2</sup> Les valeurs instrumentales

و پیشینه تاریخی به یکباره و بدون در نظر گرفتن خاستگاه و منشا ارزشها؛ عادات، باورها، و شیوه های زندگی خود، چشم بسته همه آنها را پذیرفته و بی چون و چرا آنها را در نظام خود اعمال نمایند. هر چه که باشد پر واضح است که بسیاری از این شاخصه ها حاصل تجربه و بنیان های فکری و نگرشی کشورهای جهان اول هستند و به همین دلیل گاه خود منشا بروز چالش و مناقشه می شوند. با این مقدمه است که در پژوهش حاضر می خواهیم نشان دهیم که توسعه پایدار نیز باید در چارچوب فرهنگ بومی ما و اصول و اعتقادات ما، به طور پویایی نگریسته شود، به چالش کشیده شود و در نهایت بومی و ملی شود.

### توسعه پایدار و توسعه پایدار آموزش

نباید فراموش کرد که از نقطه نظر تاریخی، توسعه پایدار حاصل مجموعه ای از کنفرانسها و اجلاسها در سطح بین المللی می باشد که در آنها، مسائل بنیادین نیمه دوم قرن بیستم و نیز قرن بیست و یکم مانند تخریب محیط زیست، سلامت انسان، افزایش نابرابری ها و غیره مطرح و برای حل آنها، تلاش به چاره اندیشی شده است (Paul, 2008: 576). کنفرانس محیط زیست انسانی که در سال ۱۹۷۲ در استکهلم و با حضور صد و سیزده دولت و نمایندگانی از نوزده نهاد بین المللی تشکیل شد را می توان نخستین کنفرانس بین المللی دانست که به طور کامل به مسائل زیست محیطی اختصاص داده شده بود (Vogler, 2007: 432). در سال ۱۹۸۳، مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه را ایجاد کرد که بعدها با نام کمیسیون برونتلند شناخته شد. در سال ۱۹۸۷ کمیسیون مذکور، گزارش برونتلند را با عنوان «آینده ای مشترک ما» منتشر کرد. در این گزارش، بر دو مفهوم اصلی که از تعریف توسعه پایدار مستخرج می شوند تاکید شده است: ۱) مفهوم نیازها، به خصوص نیازهای اقشار فقیر و تنگدست در جهان و اولویت دادن به آنها؛ ۲) ایده ی محدودیت های اعمال شده توسط وضعیت فناوری و اجتماعی جدید و تاثیر آن بر توانایی محیط زیست در برآورده ساختن نیازهای حال و آینده (Paul, 2008: 577). گام مهم بعدی در تاریخ مفهوم توسعه پایدار، به کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیروی برزیل بر می گردد. این کنفرانس، یک رویداد بین المللی بی سابقه محسوب می شد که مهم ترین دستاوردهای آن عبارت بودند از بیانیه ی ریو، دستور کار ۲۱

<sup>1</sup> Our Common Future

<sup>2</sup> UNCED

(که در آن، تعهد رهبران سران جهان به توسعه‌ی پایدار به وضوح بیان شده است) و کمیسیون توسعه‌ی پایدار. کیفیت سطح زندگی، استفاده‌ی بهینه از منابع طبیعی، حفاظت از دارایی‌های مشترک جهانی، مدیریت نهادهای بشری و رشد اقتصادی پایدار. باید یادآور شد که آموزش اولین بار در کنفرانس ریو مطرح شد (Paul, 2008: 595). پس از آن در سال ۲۰۰۰، در اجلاس هزاره‌ی نیویورک، بر این نکته اذعان شد که «در حال حاضر، معیشت و رفاه مردم فقیر در جهان یعنی دسترسی به فرصت‌ها و نیز عدم وجود ناامنی و آسیب‌پذیری» (Adger, 2007: 194). آخرین و مهم‌ترین سند که حاصل ۱۵ سال تلاش مدام کشورها و نهادهای متنوعی بود سند ۲۰۳۰ است که در سپتامبر ۲۰۱۵ به توافق تعداد زیادی از دولتها رسید. ۲۰۳۰ به شکل یک دستورکار است که تمام ابعاد مربوط به توسعه پایدار را ترسیم کرده و در قالب یک برنامه عمل جامع از کشورهایی که به آن می‌پیوندند می‌خواهد که این اقدام عمل را در ساختارهای سیاسی و اجتماعی و آموزشی خود مدغم نمایند. این سند که یک توصیه نامه است و چشم انداز خود را تا سال ۲۰۳۰ قرار داده است، به طور جامع تری به مسئله آموزش در توسعه پایدار پرداخته است.

چنانچه می‌بینیم رئوس مطرح شده در بالا، شمای کلی از مقولات مورد توجه توسعه پایدار را به ما نشان می‌دهد که خود حاکی از این واقعیت است که توسعه پایدار، مفهومی است که در عرصه‌های متنوعی از فعالیت‌ها همچون اقتصادی، کشاورزی، آموزش، صنعت، بهداشت و سلامت، سرمایه‌گذاری و ... به کار می‌رود. امروزه در تعداد زیادی از کشورهای اروپایی آموزش با رویکرد توسعه پایدار چندین سال است که جایگاه مهمی را به خود اختصاص داده است. چنین آموزشی دنبال کننده پروژه ای است که بر اساس یک سیاستگذاری کلان مسائل مهم دنیای امروز را لحاظ نموده و تلاش دارد تا فرد را برای رویارویی و مسئولیت پذیری در مقابل این مسائل که گاه چالش های حال حاضر هستند تربیت کند (Pache, Bugnard & Haeberli, 2011). توسعه پایدار در کل و به طور خاص در مبحث آموزش، در دو سطح سیاسی و علمی (Hertig, 2011) مورد بحث و جدل می‌باشد. هر چند به زعم وارثه گاهی این دو در تضاد با هم قرار می‌گیرند و چالش‌هایی را بروز می‌دهند، (Varcher, 2011)، ولی به طور کلی آموزش با رویکرد توسعه پایدار در جهان معاصر یک ضرورت است که از یک طرف تضمین کننده این است که هر دانش آموزی بتواند با برخورداری از حقوق شهروندی، از جایگاه و نقشی مناسب در جامعه

برخوردار گردد و از سوی دیگر و به طور متقابل به شیوه مسئولیت پذیر و متعهدانه‌ای رفتار و عمل نماید. (Lange, 2013).

پس از مباحث مقدماتی، در اینجا به طور ویژه سراغ سند ۲۰۳۰ می‌رویم، توصیه نامه‌ای بین‌المللی که به بسط و بیان جزئیات کامل تری از مقوله آموزش در توسعه پایدار پرداخته است. هر چند این سند جنبه الزام آور ندارد، اما در برگیرنده ۱۷ هدف اصلی و ۱۹۶ هدف فرعی است. چهارمین اصل آن به طور ویژه به اصل مهم و بنیادین آموزش می‌پردازد و سپس سعی دارد در اهداف فرعی تا حد ممکن مولفه‌های آموزش در توسعه پایدار را از زوایای مختلف روشن و شفاف کند. اصل چهارم سند ۲۰۳۰ در ضرورت آموزش برای همه می‌گوید: «تضمین آموزش با کیفیت، برابر، فراگیر، ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه». اهداف فرعی که در ذیل همین اصل بیان شده‌اند را نیز می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی کرد: رایگان بودن آموزش ابتدایی و متوسطه

دسترسی به آموزش پیش‌دستانی برای همه کودکان

دسترسی به آموزش‌های دانشگاهی برای همگان

تقویت مهارت‌های حرفه‌ای برای جوانان و بزرگسالان با هدف یافتن شغل و حرفه مناسب  
ریشه‌کنی نابرابری جنسیتی در آموزش و برخورداری از آن برای معلولین و اقشار آسیب‌پذیر و یا در شرایط آسیب‌پذیر

تضمین سواد آموزی همگانی

تضمین آموزش با رویکرد توسعه پایدار، ارزش‌های حقوق بشری، تساوی جنسیتی، خشونت زدایی، تقویت فرهنگ صلح جهانی و احترام به تنوعات فرهنگی و قومی

ایجاد به‌روز رسانی امکانات آموزشی

اعطای کمک هزینه‌های تحصیلی برای کسب انواع دانش و فنون در کشورهای پیشرفته و صاحب این فنون

تامین معلمان و نیروی انسانی واجد شرایط

جمهوری اسلامی در ۱۹۹۶ سند مذکور را پذیرفت. اما همواره مجادلات و اختلافات زیادی بعد از آن بروز نمود. در واقع دلیل اصلی این بود که هر چند در اهمیت نکات ذکر شده در سند اذعان کلی و همگانی وجود دارد اما بخشی از اصول مورد بحث در آن صراحتاً با پایه‌های ایدئولوژیک و فکری نظام آموزش جمهوری اسلامی در تعارض قرار داشت. در یک نگاه کلی مواردی نظیر برابری جنسیتی و یکسان شمردن زن و مرد در حقوق و تکالیف،

آموزش جنسی به کودکان، محوریت تفکر انسان‌مدار و حذف هر گونه عناصر الهی-مذهبی، غرب محوری در اهداف سند و بسط پنهان ارزش‌های لیبرال در اهداف اجتماعی و فرهنگی، ناممکن‌نمایی مسیرهای میان‌بر و کوتاه توسعه، زمینه‌سازی برای کنترل بیشتر کشورهای در حال توسعه، نادیده گرفتن تنوع فرهنگی، بزرگ‌نمایی کمک‌های حداقلی، بی‌توجهی به نقش ناعادلانه بین‌المللی و کشورهای توسعه یافته در عدم توسعه کشورها (رجوع شود به غمامی، ۱۳۹۹ و ابعاد پنهان و محورهای سند ۲۰۳۰، ۱۳۹۹) مواردی هستند که به عنوان تناقضات اساسی سند ۲۰۳۰ با اصول فکری و عقیدتی ج.ا.ایران به حساب می‌آیند. چنانچه می‌بینیم این موارد مغایر، همگی به نوعی مسئله آموزش را تحت تاثیر قرار می‌دهد، شاید به همین دلیل بود که چالش اصلی سند در مسئله آموزش خود را نشان می‌داد. به طور مثال در اصل چهارم، سریعاً می‌توانیم، مورد تساوی جنسیتی و آموزش آن را در مغایرت با قوانین ج.ا.ایران بازشناسی کنیم. چرا که علی‌رغم پذیرش برابری حقوق زن و مرد در مجموعه قوانین اسلام، تساوی آنها پذیرفتنی نیست. در این راستا در سند درسی ملی (۷-۳) انطباق آموزش با تفاوتها از جمله تفاوت‌های جنسیتی تاکید شده است.

بر پایه این استدلال است که پیش از پرداختن به پیشرانها و پسران‌های توسعه پایدار در نهاد آموزش و پرورش ایران، می‌بایست رهیافت‌ها و سیاست‌های اصلی این نهاد را در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی مورد شناسایی قرار داد.

### مولفه‌های آموزش در اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران

بدون تردید، نهاد آموزش و پرورش از مهم‌ترین عرصه‌هایی بوده است که به محض پیروزی جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۷ مورد توجه قرار گرفت و ضرورت بازبینی آن به طور جدی در دستور کار دولت جدید گذاشته شد: از ساختار گرفته تا محتوای کتابهای درسی برخی از همان آغاز و برخی دیگر هم به آرامی و در طول زمان دستخوش تغییر شده‌اند. این روند تغییر و تکوین تا امروز به نوعی اجتناب‌ناپذیر بوده است. دلیل این مسئله شاید در آغاز پیروزی انقلاب و روی کار آمدن یک نظام سیاسی و ایدئولوژیک اسلامی با اصول فکری و عقیدتی متفاوت از نظام سیاسی قبل از خود بود ولی هم اکنون مجموعه عوامل زیادی در این موضوع دخیل هستند. از جمله این مسائل، تحولات بسیار عظیم در سطح جهانی است که از طرفی به خود پدیده جهانی شدن و شکل‌گیری سلسله‌الگوهای متجانس و مشابه در سبک زندگی مربوط است و از سوی دیگر در این جهان نزدیک شده به بهم با گردش اطلاعات مدام و همه‌گیر، شاهد بروز مسائلی هستیم که دیگر صرفاً به مرزهای یک

کشور محدود نمی شوند، بلکه به کل جهان و به خصوص آینده ساکنان آن بر می گردد. به همین خاطر است که سیاستگذاران این نهاد، می بایست با پویایی و خلاقیت، آموزش و پرورش نسل را در چشم انداز افق های جدید و به روز طراحی کنند، ضمن اینکه بر نظام ارزش ها، اخلاقیات و باورهای بومی، مذهبی و ملی تاکید ورزند. به طور کلی سیاست ها و خط مشی های کلان ج. ا. ایران در ارتباط با موضوع آموزش را باید در اسناد بالا دستی مورد جستجو قرار داد که شامل این اسناد هستند: «برنامه های توسعه اول، دوم، سوم و چهارم»، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در ج. ا. ایران» ۱۳۹۰، سند «برنامه درسی ملی» ۱۳۹۱، سند «چشم انداز ۱۴۰۴».

از بین این اسناد، مهم ترین و تخصصی ترین، «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش» است که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۳۹۰ بوده و در آن یک شمای کلی از فلسفه تعلیم و تربیت در ج. ا. ایران بر اساس آموزه های دین مبین اسلام را به وضوح می بینیم. این سند به نوعی قانون اساسی آموزش ج. ا. ایران به شمار می آید. و به دنبال آن «سند برنامه درسی ملی» مصوب سال ۱۳۹۱ به عنوان یکی از زیر نظام های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، به منزله نقشه جامع یادگیری قلمداد می شود (وکیلی، ۱۳۹۹: ۸۳).

در مقوله آموزش، نظام ج. ا. ایران، تربیت انسان متعهد، مومن و اخلاق مدار را بر هر اصلی ارجحیت می دهد. این رویکرد، در «سند چشم انداز ۱۴۰۴» از جمله ویژگی های نه تنها فردی بلکه اجتماعی جامعه ایران بر شمرده شده است آنهم در قالب مواردی همچون: «فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مومن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی». در همین بند نکته دیگری که مورد توجه است «تعهد به انقلاب اسلامی و نظام اسلامی و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن» می باشد. در این سه محور اساسی تقویت توانایی و تعهدات شخصی، تعهد به انقلاب و نظام اهداف اصلی لحاظ شده در اخلاقیات جامعه می باشند (وکیلی، ۱۳۹۹: ۸۲).

بر پایه همین ویژگی و تلاش برای تربیت نسل بر اساس آن است که به طور کلی، آنچه از فحوای اسناد بالادستی بدست می آید نشان از این واقعیت دارد که در روند تغییر و تکوین کمتر از نیم قرن گذشته در نهاد آموزش و پرورش، همواره تلاش ها بر نزدیک شدن به یک الگوی بومی - اسلامی متمرکز بوده است. در این الگو هدف عمده، قرار دادن پایه های آموزش از طرفی بر ارزش ها، سنن، دانش زندگی ملی - محلی و از سوی دیگر بنیان ها،

باورها و اعتقادات دینی و مذهبی است. مولفه های مهمی که از خوانش اسناد فوق الذکر آشکار می شوند در پژوهش و کیلی به قرار زیر شناسایی شده اند:

دین محوری و اسلام مدار بودن تعلیم و تربیت

چند ساحتی بودن تعلیم و تربیت

الگو محوری

معلم مداری

خانواده محوری

محوریت تفاوتها

اخلاق محوری

تعدد محیط های آموزش

استعداد یابی و مهارت های آموزشی و حرفه ایی

حق آموزش رایگان

این مولفه ها، تا حدود زیادی بیانگر این است که حداقل در سطح اسناد، ج.ا. ایران موفق به طراحی الگوی بومی آموزش و پرورش خود شده است. با این وجود، ضرورت به روز رسانی تعلیم و تربیت در سیاست و برنامه ها، در توانمندی های تخصصی و تربیتی معلمان، در روشهای تعلیم و تربیت از جمله در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مورد تاکید واقع شده است. بی شک در اینجاست که با وجود اختلاف در بنیان های فلسفی و فکری، الگوی آموزش در چشم انداز توسعه پایدار به عنوان دستاورد مهم بشری، مورد توجه نهاد آموزش و پرورش جمهوری اسلامی قرار دارد. در این قسمت برای ارائه این تصویر و برای اینکه مولفه های مطرح در سند ۲۰۳۰ را در عمل در نهاد آموزش و پرورش بررسی کنیم، چنانچه قبلا گفته شد، به سراغ یک مطالعه آماری بر اساس روش فراتحلیل می رویم.

### **بررسی پژوهش های انجام شده بر مبنای روش فراتحلیل پیشرانها و**

#### **پسران های اجتماعی-فرهنگی**

چنانچه گفته شد روش فراتحلیل، یک اصطلاح کلی برای توصیف فنون آماری است که به پژوهشگر، امکان می دهد الگوی یافته های حاصل از انواع مطالعات منتشر شده و نشده را در مورد یک پرسش پژوهشی خاص، تحلیل کند. جامعه آماری که در برای این مقاله انتخاب شده است شامل مقالات چاپ شده در مجلات علمی- پژوهشی معتبر کشور و نیز پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری است که از لحاظ روش شناختی، شرایط لازم

را دارا بوده اند. این شرایط لازم که اصطلاحاً ملاک های درون گنجی نامیده می شوند برای فراتحلیل مورد نظر شامل موارد زیر هستند:

برخورداری از شرایط لازم روش شناختی (همانند فرضیه سازی، روش تحقیق، جامعه آماری، حجم نمونه، روش نمونه گیری، پایایی و روایی ابزارها، روش های آماری مناسب).

### پیشرانها و پسرانها یافته شده بر اساس تحقیقات

در این قسمت شاخصه هایی که در پژوهش های صورت پذیرفته به عنوان پسران و پیشران شناخته شده اند، مورد شناسایی قرار می گیرند. به این منظور ۲۲ مقاله چاپ شده در مجلات علمی- پژوهشی معتبر کشور و نیز پایان نامه های کارشناسی ارشد و دکتری است که از لحاظ روش شناختی، شرایط لازم را دارا بوده اند، انتخاب شده اند. این شرایط لازم برای تحلیل مورد نظر شامل موارد زیر هستند: برخورداری از شرایط لازم روش شناختی (همانند فرضیه سازی، روش تحقیق، جامعه آماری، حجم نمونه، روش نمونه گیری، پایایی و روایی ابزارها، روش های آماری مناسب).

### تناسب موضوع

استفاده از طرح پژوهشی آزمایشی یا نیمه آزمایشی. بنابراین پژوهش هایی که شرایط فوق را دارا نبودند از این فراتحلیل، حذف گردیدند.

جدول ۱-۱ مولفه های تاثیر گذار بر توسعه پایدار در پژوهش های بررسی شده

متغیر مستقل
آموزشگر پژوهنده
انگیزه کار معلمان
توجه به تفاوت های فردی
ارج نهادن به تفکرات خلاق
تحمل عقاید تازه و احترام به آراء و افکار دیگران
خاص گرایی
فرد تحقیق گر
جامعه خودگردان و خودانضباط
جامعه برخوردار از احساس همدلی و روابط عاطفی
یادگیری خودبرانگیخته
عادت به فراگیری کاربردی
اعتقاد به کسب موفقیت

جدول ۱-۲ پژوهش های بررسی شده

عنوان	پژوهشگر	مؤلفه های مورد بررسی	عنوان	پژوهشگر	مؤلفه های مورد بررسی
ارائه الگوی اثربخشی آموزشهای ضمن خدمت معلمان دوره ابتدایی آموزش و پرورش استان هرمزگان (۱۳۹۹)	هاشمی پور، خورشیدی، محمدخانی و محمدداودی	آموزشگر پژوهنده، انگیزه کار معلمان، توجه به تفاوت های فردی، ارج نهادن به تفکرات خلاق، تحمل عقاید تازه واحترام به آراء و افکار دیگران	شناسی مؤلفه های عدالت آموزشی در آموزش و پرورش ایران (۱۳۹۸)	هرندی، کریمی و نادى	خاص گرایى
تحلیل جایگاه خودگردانی در سند بنیادین تحول آموزش و پرورش (۱۳۹۸)	بدیعیان، نجفی و حیدری	جامعه تحقیق گر، فرد تحقیق گر، جامعه خودگردان و خودانضباط، جامعه برخوردار از احساس همدلی و روابط خودبرانگیخته	اثربخشی برنامه آموزش فلسفه به کودکان در پرورش خلاقیت کودکان پیش دبستانی (۱۳۹۸)	محمدی، کرامتی، فرزاد و عربزاده	توجه به تفاوت های فردی، ارج نهادن به تفکرات خلاق
سبک تفکر معلمان در اثربخشی آموزشی کلاس درس از دید معلمان و دانش آموزان (۱۳۹۸)	شفیعی، جهانی، زارع و موسی پور	آموزشگر پژوهنده، انگیزه کار معلمان، توجه به تفاوت های فردی، ارج نهادن به تفکرات خلاق، تحمل عقاید تازه واحترام به آراء و افکار دیگران	پیش بینی چابکی سازمانی از طریق انگیزش شغلی و خود کارآمدی عمومی، با هدف پیش بینی چابکی سازمانی از طریق انگیزه شغلی و خود کارآمدی عمومی کارکنان اداره آموزش و پرورش (۱۳۹۷)	رضایی، قربان پور و احسانی	جامعه تحقیق گر، فرد تحقیق گر، جامعه خودگردان و خودانضباط، جامعه برخوردار از احساس همدلی و روابط خودبرانگیخته
بررسی نگرش معلمان پایه ابتدایی به آموزش و پرورش فراگیر (۱۳۹۶)	پوشنه، مالیر	آموزشگر پژوهنده، انگیزه کار معلمان، توجه به تفاوت های فردی، ارج نهادن به تفکرات خلاق، تحمل عقاید تازه واحترام به آراء و افکار دیگران	مطالعه اهداف آموزش و پرورش در تحصیل سواد توسعه ای دانش آموزان و امکانات آبی سی تی در تحقق آن (۱۳۹۵)	تسوکسل، لاریجانی	جامعه تحقیق گر، فرد تحقیق گر، جامعه خودگردان و خودانضباط، جامعه برخوردار از احساس همدلی و روابط خودبرانگیخته

انگیزه کار دانش‌آموزان و دانشجویان، عادت به فراگیری کاربردی، اعتقاد به کسب موفقیت	شهمیرزادی و عدلی	رابطه جو نظام آموزش عالی و پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان(۱۳۸۹)	انگیزه کار دانش‌آموزان و دانشجویان، عادت به فراگیری کاربردی، اعتقاد به کسب موفقیت	مجتبی‌زاده، عباس‌پور، فراست‌خواه و ملکی	طراحی الگوی اعتبارسنجی و تضمین کیفیت، متناسب با مختصات بافتی نظام آموزش عالی ایران(۱۳۹۱)
آموزش‌گر پژوهنده، انگیزه کار معلمان، توجه به تفاوت‌های فردی، ارج نهادن به تفکرات خلاق، تحمل عقاید تازه و احترام به آراء و افکار دیگران	مهرعلیزاده، رجب‌علی‌پور، قلندری	۱. بررسی نظام توسعه منابع انسانی آموزش و پرورش طی برنامه پنج ساله سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور(۱۳۸۸)	انگیزه کار معلمان، آموزش‌گر پژوهنده، فراگیری و آموزش کاربردی، یادگیری خودبراندگیخته، توجه به تفاوت‌های فردی، ارج نهادن به تفکرات خلاق	نجفی	عوامل بازدارنده درون سازمانی مشارکت معلمان در طرح معلم پژوهنده(۱۳۸۸)

برای دانستن اینکه تا چه اندازه آموزش و پرورش بر مولفه‌ها و اهداف توسعه پایدار توضیح داده شده در اسناد بین المللی و نیز اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران منطبق است بر مبنای شاخص‌های که در این تحقیقات مورد بررسی قرار گرفته است از جمله‌های مولفه‌هایی که در سطح مطلوبی قرار دارند، که براساس تفسیر کوهن، بالاتر از متوسط محسوب می‌شود. به زبان تفسیر، به این معناست که مداخلات عوامل اجتماعی، فرهنگی و ساختاری در توسعه پایدار در آموزش و پرورش، اثربخشی مطلوبی داشته‌اند ( $P < 0.01$ ). از جمله‌های مولفه‌هایی که در سطح مطلوبی قرار دارند موارد زیر می‌باشند:

اتمام رایگان، عادلانه و با کیفیت تحصیلات ابتدایی و متوسطه

از بین بردن اختلافات جنسیتی

کاهش بیسوادی در افراد بزرگسال

دسترسی برابر همه زنان و مردان به آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی

تامین معلمان و اساتید واجد شرایط

با این وجود، شاخصه‌هایی مهمی از توسعه پایداری وجود دارند که بر اساس تحلیل داده

ها تا سطح مطلوب همچنان فاصله دارند:

دسترسی به رشد، مراقبت و آموزش پیش دبستانی با کیفیت  
 ثبت نام کودکان واجد شرایط برای راهیابی به مقطع پیش دبستانی  
 در واقع در توسعه پایدار، آموزش پیش از دبستان، از همان اولین سالهای تولد، باید مورد  
 توجه باشد. در کشورهای پیشرفته این آموزش ها به شکل آموزش پیش از دبستان به طور  
 اجباری مشمول کودکان می شود. نکته مهم دیگر این است که فراتحلیل نشان می دهد که  
 الگوی بومی آموزش بر اساس توسعه پایدار در آموزش و پرورش در سطوح مختلف  
 تحصیلی دنبال می شود.

### نتیجه گیری

آموزش و پرورش در چشم انداز توسعه پایدار، از موضوعات مهم دنیای معاصر است.  
 در سند ۲۰۳۰ به طور ویژه ای تلاش شده است تا مولفه های یک چنین آموزشی به صورت  
 یک برنامه کار عملی برای کشورهای جهان ترسیم شود. ج.ا. ایران هر چند سند مذکور را  
 پذیرفته است و حتی فراتر از آن در راستای منطبق و هماهنگ نمودن دستگاهها و بخش های  
 خود با توسعه پایدار تلاش می نماید، اما با توجه به تفاوتی که در بعد نظری با آموزش در  
 توسعه پایدار دارد، با دقت و نظارت بیشتری این آموزش را دنبال می کند و به خصوص در  
 راستای بومی نمودن آنها بر اساس فرهنگ، فلسفه و اعتقادات خود گام بر می دارد. صرف  
 نظر این مسئله که دیدن و به یاد داشتن آن در هر پژوهشی در ارتباط با مولفه های توسعه  
 پایدار در آموزش و پرورش ایران ضروری است، در این پژوهش با توجه به داده های بدست  
 آمده از طریق روش فراتحلیل، به طور کلی می توان سیمای فعلی آموزش و پرورش را بر  
 اساس توسعه پایدار در بخش آموزش همگانی، فراگیر از مقطع دبستان تا آموزش عالی در  
 وضع مطلوب ترسیم کرد. ایران جز کشورهایی است که در سطح وسیعی با بی سوادی مبارزه  
 نموده است. با این وجود، آموزش در مقطع پیش دبستانی، هنوز در ایران جای کار دارد.  
 اهمیت توجه به این موضوع در این نکته نهفته است که اصولاً رویکرد توسعه پایدار، توجه  
 به آموزش کودکان در همان سالهای اولین زندگی می باشد.

## منابع و مأخذ:

- «ابعاد پنهان و محورهای سند ۲۰۳۰، ۱ بررسی سند دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار»، گروه توسعه نظری و مطالعات بنیادین، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۹.
- احمدی، علیرضا (۱۳۹۹)، «تبیین جایگاه اهداف توسعه‌ی پایدار در مبانی اساسی تربیت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با روش آنتروپی شانون»، **پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی**، بهار ۱۳۹۹، شماره ۳، صص ۹۵-۱۱۲.
- انصاری، عبدالله (۱۳۹۳)، «آموزش و پرورش، بهره‌برداری از منابع نفتی و توسعه‌ی پایدار»، **فصلنامه تعلیم و تربیت**، پائیز ۱۳۹۳، شماره ۱۱۹، صص ۹-۴۴.
- سند برنامه‌ی درسی ملی جمهوری اسلامی ایران.
- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- سند چشم انداز ۱۴۰۴.
- عریضی، علیرضا و حجت‌الله فراهانی (۱۳۸۴)، **روشهای پیشرفته پژوهش در علوم انسانی**، اصفهان: جهاد دانشگاهی.
- غمامی، محمد مهدی (۱۳۹۹). «تحلیل حقوقی ماهیت و اعتبار سند توسعه پایدار ۲۰۳۰، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. قابل دسترس از آدرس اینترنتی: <http://iict.ac.ir/1399/06/ghamami>
- معتدلی، اعظم و یمنی دوزی سرخایی، محمد (۱۳۹۷)، «ویژگی بر نامه درسی آموزش توسعه پایدار از منظر سیستم‌های سازگار شونده»، **راهبرد توسعه**، پائیز ۱۳۹۷، شماره ۵۵، صص ۳۹-۷۹.
- موسایی، میثم و احمدزاده، مریم (۱۳۸۸)، «آموزش توسعه‌ای و توسعه‌ی پایدار»، **راهبرد توسعه**، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۸، صص ۲۰-۲۲۳.
- وکیلی، خاتون (۱۳۹۹)، «تهدیدات نرم سند ۲۰۳۰ و ارائه الگوی بومی ایرانی - اسلامی در حوزه آموزش و پرورش»، **مطالعات قدرت نرم**، سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۲۳)، پائیز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۶۵-۹۴.
- هویت، دنیس و دانکن کرامر (۱۳۹۳)، **روشهای آماری در روان‌شناسی و سایر علوم رفتاری**، ترجمه: ح. پاشا شریفی و همکاران، تهران: سخن.
- کتاب‌شناسی لاتین:
- Adger Neil, Winkles Alexandra (2007), "Vulnerability, poverty and sustaining wellbeing", in: **Handbook of Sustainable Development**, Edward Elgar Publishing Limited, Cheltenham.
- CDHEP. PERRIN N. (2014). « Créativité : il est autorisé d'interdire ». **L'Éducateur**, no 2, p. 10.
- Dernbach, J. C. (2003), "Achieving sustainable development: The Centrality and multiple facets of integrated decision making", **Indiana Journal of Global Legal Studies**, 10, 247-285.
- DOI:10.2979/gls.2003.10.1.247
- Diemer, Arnaud et Christel Marquet (2014), « Introduction. L'éducation au développement durable serait-elle en train de remettre en cause notre système éducatif ? », In : **Éducation au développement durable**, pp. 13-31.
- HERTIG P. (2011). « Le développement durable : un projet multidimensionnel, un concept discuté ». In : A. Pache, P.-P. Bugnard & P. Haerberli (dir.), **Éducation en vue du développement durable. École et formation des enseignants : enjeux, stratégies et pistes**. Neuchâtel : CDHEP, pp. 19-38.
- LANGE J.-M. (dir.) (2013). **Penser l'éducation. Philosophie de l'éducation et Histoire des idées pédagogiques. Actes du Colloque international**, « L'éducation au développement durable : appuis et obstacles à sa généralisation hors et dans l'École », université de Rouen.
- Mensah, Justice (2019), "Sustainable development: Meaning, history, principles, pillars, and implications for human action: Literature review", **Cogent Social Sciences**, 5:1, 1653531, DOI: 10.1080/23311886.2019.1653531.
- PACHE A., BUGNARD P.-P. & HAEBERLI P. (dir.) (2011). **Éducation en vue du développement durable. École et formation des enseignants : enjeux, stratégies et pistes**. Neuchâtel.
- PACHE A. (2014). **L'alimentation à l'école. Enseigner une géographie**

**renouvelée.** Rennes : Presses universitaires de Rennes.

Paul, Bac Dorin (2008), "A History of the Concept of Sustainable Development: Literature Review", **Annals of University of Oradeo, Economic Science Series**, 2008, Vol. 17, Issue 2, PP. 581-585.

Stoddart, H., Schneeberger, K., Dodds, F., Shaw, A., Bottero, M., Cornforth, J., & White, R. (2011), **A pocket guide to sustainable development governance**, Stakeholder Forum, 2011.

VARCHER P. (2011). « L'éducation en vue du développement durable : une filiation à assumer, des défis à affronter ». In : F. Audigier, N. Fink, N. Freudiger & P. Haerberli (dir.), **L'éducation en vue du développement durable : sciences sociales et élèves en débats**. Genève : Université de Genève, p. 25-46.

Vogler, John (2007), "The International Politics of Sustainable Development", in: **Handbook of Sustainable Development**, Edward Elgar Publishing Limited, Cheltenham. UNESCO (2005), *Décennie des Nations unies pour l'éducation en vue du développement durable (2005-2014)*.